



خسرو
امیرحسینی



مهاجرت صلاحیت‌ها

گروهی معتقدند که راه جلوگیری از مهاجرت استعدادها همان است که درهای مملکت را ببندیم و از آن طریق «ساده و عملی» علاج واقعه را قبل از وقوع کنیم. به نظر من این فکر هم واهی و هم غیرعملی است. درست است که سی چه سال پیش مسأله فرار مغزها در پیش نبوده ولی باید اذعان داشت که در آن زمان نیز ما آنچنان محققان و دانشمندان هم نداشتیم که به درد دنیای پیشرفته خارج بخورند. مسأله فرار مغزها از آن لحظه بوجود می‌آید که محققان و دانشمندان عالیقدر دنیا پسند تربیت بشوند. به عبارت دیگر این مسأله خود نتیجه مستقیم گسترش علم و فرهنگ یک کشور یا دسترسی مردم آن به مؤسسات علمی خارج است.

عوامل تشکیل دهنده جریان فرار چیست؟

به نظر من جواب این سؤال را می‌توان در دو سلسله عوامل به دست آورد: یکی عوامل جذب کننده، دیگری عوامل دفع کننده.

عوامل جذب کننده مربوط به کشورهای پیشرفته تر خارجی است. یک دانشمند معاصر - از هر کشوری باشد در درجه اول به یک محیط مساعد فکری و علمی احتیاج دارد. برای چنین شخصی دسترسی به آزمایشگاه‌های مجهز و کتابخانه‌های بزرگ و مراکز علمی و تحقیقاتی معتبر در شمار تجملات نیست بلکه لازمه کار و پیشرفت است. پس محیطی که آن شرایط را بهتر و بیشتر تأمین سازد خود به خود چنین

مشاهده می‌شود تعداد کسانی که تنها در سال ۱۹۶۷ از این کشورها به آمریکا آمده بودند از حیث سرمایه‌گذاری معادل ۱۵۰ میلیون دلار است.

پس سخن در آن نیست که اعتقاد یکایک ما نسبت به این امر تا چه اندازه است. آنچه مهم و قابل توجه است واقعیت جریان پرخطری است که امروز به «فرار مغزها» مشهور شده است و باید با نهایت دقت جنبه‌های مختلف آن را از لحاظ آینده کشورهای در حال رشد در نظر گرفت. به خاطر صرفه جویی در وقت سعی خواهم کرد این جنبه‌ها را طی چند سؤال کوتاه مورد مطالعه قرار دهم.

آیا باید به فکر چاره جویی بود یا مسأله را بی اهمیت تلقی کرد؟

به نظر من جواب این سؤال بر همه روشن است. مسأله «فرار مغزها» بی اهمیت نیست. بعکس خطری است که متوجه حساس ترین جبهه پیشرفت ماست. آینده ممالکی مانند ایران بستگی مستقیم به رونق و همکاری طبقات تحصیل کرده و دانش اندوخته ما دارد. پس هر جریانی که مانع از پیدایش و رشد این طبقات شود، یا به از دست دادن آنها منتهی گردد، به یکی از مهمترین منابع تولیدی ما لطمه وارد می‌آورد. و هر چه اقتصاد ما پیشرفت بیشتر کند نیاز ما به این منبع عظیم ثروت بیشتر و محسوس تر می‌شود. پس باید به فکر چاره جویی بود. و هر چه زودتر بهتر.

ولی آیا طرق چاره جویی در جلوگیری از حرکت به خارج است؟

با آنکه بحث درباره «فرار مغزها» از مدهای بزرگ روز شده است چنین بنظر می‌رسد که بسیاری از مردم هنوز به ابعاد واقعی و گوناگون این مسأله پی نبرده‌اند. یکی از صاحب نظران چند روز پیش به من می‌گفتند «ای آقا این موضوع که دیگر امروز «دکان» شده. من که اصلاً به «فرار مغزها» معتقد نیستم» یکی دیگر به عکس عقیده داشت که درهای مملکت را تا دیر نشده باید بست تا از این خطر مالی جلوگیری شود.

به نظر من اصل مسأله ربطی به اعتقاد «موافقان» و «مخالفتان» ندارد. زیرا عقاید شخصی ما هر چه باشد این یک واقعیت مسجل است که رفته رفته جریانی روز به روز قویتر و سریعتر دانشمندان و مهندسان و پزشکان جهان را بسوی قطب‌های بزرگتر صنعتی و علمی سوق می‌دهد.

طبق حسابی که پرفسور ریچارد تیگنوس استاد دانشکده اقتصاد لندن کرده بود تعداد «مغزهای متفکری» که از پایان جنگ جهانی دوم تا دو سال پیش از نقاط مختلف دنیا به آمریکا مهاجرت کرده بودند معادل چهار صد هزار میلیارد دلار سرمایه می‌شدند و در این ماجرا حتی اروپای کهن ده درصد از دانشمندان و متخصصان درجه اول خود را به نفع آمریکا از دست دادند.

باز طبق آخرین حسابی که این بار در گزارش مجلس نمایندگان آمریکا موسوم به «فرار مغزهای علمی از کشورهای در حال توسعه»

دانشمندی را به سوی خود جذب می کند، چه رسد به اینکه توام با امتیازات مسلمی از حیث حقوق و وضع زندگی باشد.

ولی به قوه جاذبه کشورهای پیشرفته تر آن لحظه به اوج خود می رسد که از سوی دیگر محیط علمی در زادگاه یک دانشمند از هر جهت نامساعد و دافع باشد. کشوری را فرض کنیم که در آن نه آزادی علمی و فکری باشد و نه شرایط مساعدکار علمی و تحقیقات. در این صورت یک مغز آفریننده صرف نظر از عوامل جاذبه خارج آنقدر تحت فشار قرار می گیرد که بالطبع رانده می شود. در محیط عمومی آلمان قبل از جنگ، با همه پیشرفت های علمی آن کشور، مغزهای متفکر همه به سوی آمریکا رانده می شدند. در کشورهای در حال رشد نداشتن وسایل علمی و تحقیقاتی، عدم توجه واقعی به مغزهای متفکر و کمبود شرایطی که لازمه رشد آنهاست در شمار علل اصلی حرکت مغزهای علمی به خارج است.

پس هر سیاستی که هدف آن پرورش استعداد های ملی و حفظ آنهاست باید دو عامل را هر یک به نحوی خنثی کند.

عوامل پرورش و حفظ استعداد های ملی هر چه می تواند باشد؟

در وهله اول آنچه اهمیت بسیار در بردارد ایجاد عامل است که پاره ای نام «مقصد ملی» را بدان گذارده اند. مقصد ملی آن هدف اساسی و آن انگیزه ذاتی و ریشه داری است که در لحظات تاریخی بزرگ یک ملت، افراد آن را به یکدیگر پیوند می دهد و منفعتی بالاتر و چشمگیرتر منابع شخصی را در برابر آنان مجسم می کند. حکومت هایی که می توانند مردم خود را به چنین مقصدی مومن و معتقد سازند از همان راه نه تنها بسیاری از عوامل جاذب را خنثی می کنند بلکه از اهمیت عوامل دفع کننده نیز می کاهند.

ولی حتی اگر این مقصد به طور مؤثری در مردم محسوس نباشد ایجاد شرایطی دیگر هم می تواند تا اندازه ای از فرار مغزها به خارج یا بازگرداندن آنها جلوگیری کند. این شرایط عبارتند از یک محیط مساعد کار، پیدایش و توسعه مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی، توجه بیشتر به اهمیت معنوی و ارزش اقتصادی دانشمندان و اعتلای مقام آنان در اجتماع و غیره. کشوری که می خواهد از وجود عوامل تحصیل کرده و روشنفکر خود استفاده کند باید لااقل این

فکر را به وجود آورد که آنان مورد نیاز و احترام جامعه می باشند. حتی اگر همین امر هم برای دانشمندان و روشنفکران واقعی این کشورها مسلم شود اکثر آنان حاضرند بسیاری از مزایای مالی و اقتصادی و امکانات علمی خارج را ندیده بگیرند و در کشور خود به خدمت مشغول شوند. ولی در بسیاری از این کشورها دانشمندان حتی از این امتیاز معنوی نیز محرومند و به چشم می بینند که ارزش اجتماعی آنان از یک مقاطعه کار یا بازرگانان یا کارمندان عالی رتبه یا سیاستمدار عادی پایین تر است. نه وضع مالی مشخصی دارند و نه مقام و ارزش و نه امکان کار و تحقیق و مطالعه. آنچه در گذشته بسیاری از مغزهای ما را به خارج رانده جز این نبوده است. و آنچه امروز تعداد روزافزونی از جوانان تحصیل کرده ما را به میهن شان باز می گرداند جز این نیست که اوضاع را به مراتب بهتر از گذشته تشخیص می دهند و می بینند که درهای ترقی و کار سازنده بیش از پیش بروی آنها باز شده است.

پس سیاست ملی ما در این زمینه چه می تواند باشد؟

جواب این سؤال را هنگامی می توان داد که مسائل اصلی را با کمال صراحت و شهادت و واقع بینی مطرح کرده باشیم. به عبارت دیگر ابتدا باید قبول کنیم که در شرایط کنونی دنیای پیشرفته عوامل جاذب خارجی دست بکارند. دنیای صنعتی امروز بیش از هر وقت دیگر نیازمند استعداد های واقعی است و چون این قبیل استعدادها را خود می تواند با سرعتی که لازم است به وجود آورد بالطبع حاضر است آنها را به ب های گزاف و با وسایل گوناگون از بازار بین المللی مغزهای متفکر به دست آورد. «مغز ربایان» حرف های عصر ما منت آنها را می کشند، بهترین محیط علمی و فکری را برای آنها بوجود می آورند. خیالشان را از جهات گوناگون علمی و تحقیقاتی و اقتصادی آسوده می نمایند و بر این زمینه مساعد به آنها اثبات می کنند که علم و دانش وطن ندارد و چون متعلق به بشریت است خدمت به علم محض در واقع مظهری بالاتر از وطن پرستی و ملت خواهی است. در برابر این قوه جاذبه وظیفه ماست که با توجه به هدف های بزرگ انقلاب ایران کشور خود را روز به روز به امیدها و رویاهای طبقات روشنفکر خود نزدیکتر

سازیم و با ایجاد محیطی که از هر جهت مشوق علم و دانش و پرورش انسانی باشد حس تعلق واقعی آنان را به مملکت خود بیشتر کنیم. تنها در آن صورت است که می توانیم به آزمایشگاه عظیمی که ملتی آزاد و مستقل در برابر فرزندان خود قرار می دهد قدرت جاذبه ای عطا کنیم که به مراتب بیشتر از آزمایشگاه های مجهز خارجی باشد و آنگاه دانشمندان و روشنفکران واقعی ما حس خواهند کرد که حد و حصری برای رشد و پرورش نیروهای خلاق آنان نخواهد بود و هر کمبود وسایل مادی خود انگیزه های محرک برای گسترش امکانات بیشتر فکر می شود.

به نظر من ایجاد چنین محیطی که به راستی جوابگوی نیازمندی های روحی و روانی روشنفکران و دانشمندان باشد به مراتب مهمتر از تأمین امکانات مالی و اقتصادی محض است. حتی قدمی فراتر می گذارم و می گویم آنها که بشتر و منحصرأ مسأله بازگشت جوانان تحصیل کرده را به تأمین حقوق های بالاتر پیوند می دهند هم به روشنفکران واقعی ما توهین می کنند و هم در عین حال به آنها که در راه فراموشی ملت خود پا گذاشته اند رشوه ای غیرقابل قبول می دهند. کشوری که با نیروی کار و زحمات فرزندان صادقانه راه را برای رشد و پرورش روزافزون استعداد های هموار می سازد دیگر به کسانی احتیاج ندارد که حقوق ممتاز برای خود قایل می شوند که صرفاً با معیارهای خارجی قبول خدمت می کنند و آسایش خویش را مافوق دین ملی خود قرار می دهند. تاریخ نشان می دهد که برای روشنفکران و دانشمندان واقعی لذت سازندگی و آفریدن همواره بالاتر از ملاحظات مادی محض بوده است و همین که در محیطی مساعد قرار گرفته اند خود شرایط مادی کار را نیز به وجود آورده اند. با ماست که این محیط مساعد را با توجه به امکانات ملی از هر جهت برای آنها فراهم آوریم و با آنهاست که راه واقعی خدمت و کار سازنده را با توجه به اهمیت رسالت تاریخی طبقه روشنفکر ایران به دیگران نشان دهند. این تلاش دوجانبه بی شک در حفظ مغزهای متفکر ایران و در تسریع بازگشت جوانان تحصیل کرده ما نقش اساسی را در بر خواهد داشت.